

اسلام‌هراسی در رسانه‌های مکتوب غربی

a.isazadeh68@gmail.com

sharaf@qabas.net

کعبه عباس عیسی‌زاده / کارشناسی ارشد مدیریت رسانه پردیس فارابی دانشگاه تهران

سیدحسین شرف‌الدین / دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)

پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۱۱

دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵

چکیده

«اسلام‌هراسی» عبارت است از: «ترس یا تنفر از اسلام، و در نتیجه، ترس و تنفر از همهٔ مسلمانان» که به شکل ساختمند و از طریق ایجاد محرومیت در زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان، هر روز جلوهٔ بارزتری می‌یابد. یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیشبرد این هدف در غرب، بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی و قدرت اثرگذاری شگرف آنهاست. رابطهٔ سیاست رسانه‌ای غرب با جریان اسلام‌هراسی به حدی است که برخی تحلیل‌گران رسانه‌های غربی را منشأ اصلی اسلام‌هراسی می‌دانند. از میان انواع گوناگون رسانه‌ها، حوزهٔ رسانه‌های مکتوب و چاپی، به‌ویژه مطبوعات، زمینهٔ آغازین پژوهشگران برای بررسی «اسلام‌هراسی رسانه‌ای» بوده است. به همین روی، پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بررسی منابع متعدد، ادعای وجود «اسلام‌هراسی در رسانه‌های مکتوب غربی» را واکاوی کند. طی چند دههٔ اخیر، تحقیقات بسیاری در رابطه با این موضوع انجام شده که بر اساس یافته‌های بیشتر آنها، وجود نوعی تبعیض آشکار و پنهان علیه اسلام و مسلمانان، در نحوهٔ بازنمایی رسانه‌های مکتوب غربی، مسلم و مشهود به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: اسلام‌هراسی، اسلام، غرب، رسانه‌های مکتوب، مطبوعات غربی.

مقدمه

رسانه‌های غربی هستند» (مجیدی و صادقی، ۱۳۹۳، ص ۴۹). لیکن به‌رغم وجود شواهد عینی و مستندات پرشمار، بحث و مجادله بر سر اسلام‌هراسی همچنان ادامه دارد، تا جایی که برخی از منتقدان بکل منکر وجود آن شده‌اند. بدین‌رو، بررسی ابعاد گوناگون این پدیده، به‌ویژه شکل نوین آن، یعنی «اسلام‌هراسی رسانه‌ای»، ضروری به نظر می‌رسد.

هدف اصلی نوشتار حاضر ارائه شواهدی متقن دال بر وجود اسلام‌هراسی است، به‌ویژه شکل رسانه‌ای آن که طی دهه‌های اخیر، چنان آشکار و عیان گشته که به‌هیچ‌وجه، قابل انکار و نادیده‌انگاشتن نیست. تمرکز نویسندگان مقاله عموماً بر انعکاس دیدگاه‌های اندیشمندان و محققان غربی در این زمینه معطوف بوده است؛ زیرا آنچه ما به‌عنوان اسلام‌هراسی می‌شناسیم، هم‌اکنون در جوامع غربی جریان دارد. علاوه بر این، واژه و مفهوم «اسلام‌هراسی» بر ساخته اندیشمندان غربی است. از این‌رو، وصول به فهمی عمیق از اسلام‌هراسی معاصر، بدون رجوع به دیدگاه‌های آنان میسر و ممکن نخواهد شد.

ب) اسلام‌هراسی در رسانه‌های مکتوب غربی

مسلمانان از اواخر دهه ۸۰ میلادی (پس از وقوع حوادث پرهیاهویی نظیر ماجرای *سلمان رشدی* و کتاب *آیات شیطانی* در بریتانیا، جنجال حجاب در فرانسه، و جنگ اول خلیج فارس) به موضوع متداول بحث محافل عمومی در مغرب‌زمین تبدیل شدند؛ جایی که عمدتاً در آن به‌منزله بیگانگانی تلقی می‌شوند که مرزهای مشخصی آنان را از غربی‌ها جدا کرده و دینشان، یعنی اسلام، مانع جذب آنها در جامعه غربی شده است.

در همین زمینه، «با توجه به اقبال عمومی گسترده به وضعیت مسلمانان در غرب، حجم بالایی از تحقیقات دانشگاهی در عرصه اسلام‌هراسی پدید آمده است. در این بین، پژوهشگران بیش از همه جذب نحوه بازنمایی مسلمانان در رسانه‌های غربی شده‌اند و بیشترشان به این نتیجه رسیده‌اند که رسانه‌ها عموماً تصویری منفی از اسلام و مسلمانان منعکس می‌کنند» (بلیک و همکاران، ۲۰۱۵).

بنابراین، به‌سبب درک اهمیت رسانه و اثرگذاری عمیق آن بر جامعه، گنجینه‌ای غنی از گزارش‌ها و تحقیقات اسلام‌هراسی رسانه‌ای به

اصطلاح دوبخشی «اسلام‌هراسی» از پیوند کلمه «اسلام» و پسوند «فوبیا» تشکیل شده است. واژه (Phobia) در لغت‌نامه پیشرفته *آکسفورد* این‌گونه تعریف شده است: «ترس یا نفرت شدید و غیرمنطقی از چیزی»؛ بدین صورت تعریف (Islamophobia) می‌شود: «ترس یا نفرت شدید و غیرمنطقی از اسلام» (مجیدی و صادقی، ۱۳۹۳، ص ۲۰-۲۱). به‌طور کلی، اسلام‌هراسی مفهومی است که به ترس، پیش‌داوری و تبعیض غیرعقلانی در قبال اسلام و مسلمانان اشاره دارد (مرشدی‌زاد و غفاری، ۱۳۸۶).

امروزه جریان اسلام‌هراسی به‌عنوان هجمه‌ای ظالمانه علیه همه آثار و مظاهر اسلام در غرب و زندگی عادی و روزمره مسلمانان آن دیار فعالانه عمل می‌کند. این جریان تاکنون، حتی برای خود جوامع غربی نیز خسارات قابل توجهی به بار آورده است. شکست برخی دولت‌های غربی در اعمال سیاست یکپارچه‌سازی اجتماعی میان اقلیت‌های مختلف و تکثرگرایی فرهنگی یا استقرار فضای چندفرهنگ‌گرایی در این جوامع، تنها بخشی از این خسارات است. جلوه خسارت‌بار دیگر جریان اسلام‌هراسی برای کشورهای غربی، تحریک برخی گروه‌های مسلمان افراطی است که به ناچار و تحت تأثیر شرایط مصیبت‌بار تحمیل‌شده بر زندگی روزمره‌شان، به تندروی، خشونت و ترور متوسل شده‌اند.

بر آگاهان پوشیده نیست که اسلام‌هراسی با برخورداری از حمایت و پشتیبانی تمام‌عیار رسانه‌ها و مقامات رسمی کشورهای غربی، همه جنبه‌های حیات فردی و اجتماعی مسلمانان آن دیار را متأثر ساخته، به اشکال گوناگون از قبیل آزار و خشونت روحی و فیزیکی، حمله به مساجد و مراکز اسلامی، تعرض به قبرستان مسلمانان، اعمال تبعیض در بخش آموزش، اشتغال، مسکن، ارائه کالاها و خدمات، و بی‌احترامی آشکار به مسلمانان در سازمان‌های عمومی بروز و ظهور دارد (ر.ک: شیرغلامی، ۱۳۹۰).

یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیشبرد این هدف در غرب، بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی و قدرت اثرگذاری شگرف آنها است؛ چنان‌که به عقیده بیشتر محققان، یکی از منابع فراگیر اسلام‌هراسی از حیث اجتماعی، نحوه بازنمایی اسلام در رسانه‌هاست. «رابطه سیاست رسانه‌ای غرب با جریان اسلام‌هراسی به حدی است که از نظر برخی تحلیل‌گران، منشأ بی‌چون و چرای اسلام‌هراسی،

تبعیت محض از سیاست‌های دولتی و انتشار دیدگاه‌های به‌شدت خصمانه در قبال اسلام مشهورند - قرار داد (ر.ک: احمد، ۲۰۰۶). مسئله محوری این مقاله بررسی نحوه بازنمایی مغرضانه مسلمانان در رسانه‌های مکتوب است، و اینکه چگونه با معضلاتی از قبیل تروریسم، جرم و جنایت، تهدیدهای اقتصادی و ناسازگاری‌های اجتماعی - فرهنگی مرتبط دانسته می‌شوند. نتایج پژوهش‌های متعدد در این زمینه، حاکی از نوعی بازنمایی منفی از اسلام و مسلمانان در رسانه‌های مکتوب، به‌ویژه مطبوعات غربی است که می‌توان آنها را به اشکال گوناگون دسته‌بندی کرد.

برای مثال، برخی از محققان همچون ریچاردسون (۲۰۰۴)، سعید (۲۰۰۷) و موری و یاکین (۲۰۱۱) از روش‌های کیفی استفاده کرده‌اند و عده‌ای دیگر نظیر پول (۲۰۰۲)، مور (۲۰۰۸) و بیکر (۲۰۱۳) از تحلیل‌های کمی بهره برده‌اند. همچنین تقسیم‌بندی پژوهش‌ها به پیش و پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و بیان تفاوت آنها شیوه دیگر ارائه مطالب است. اما روش این مقاله گزینش اثرگذارترین تحقیقات «اسلام‌هراسی در رسانه‌های مکتوب» از میان منابع متعدد و شرح و توضیح متناسب با اهمیت هریک و ذکر آنها به ترتیب زمانی است.

پژوهش‌های «اسلام‌هراسی» در رسانه‌های مکتوب غرب

۱. ادوارد سعید (۱۹۸۱): *پوشش خبری/اسلام*، اثر معروف سعید، هرچند بیشتر بر رسانه‌های تصویری و به‌ویژه تلویزیون آمریکا متمرکز است، اما اشاراتی گذرا و انتقادی به مطبوعات این کشور نیز دارد. او در این کتاب اظهار می‌دارد که رسانه‌ها در قالب پوشش خبری حوادث انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، اسلام و مسلمانان (ایرانیان) را به شکل تحقیرآمیز و موهنی به تصویر می‌کشیدند (ر.ک: بلیک و همکاران، ۲۰۱۵).

۲. یاول گیلروی (۱۹۸۷): وی معتقد است: رسانه‌ها این طرز تلقی را در افکار عمومی جا انداخته‌اند که اقلیت‌های قومی و مذهبی توانایی مشارکت کامل در فرهنگ بریتانیایی را ندارند؛ زیرا آنها «غیر و دیگری» محسوب می‌شوند. بازنمایی اقلیت‌ها، به‌ویژه مسلمانان، در قالب چنین گفت‌وگوهای (غیر، دیگری، بیگانه و دشمن) چارچوب‌سازی شده، متضمن این امر مهم است که مسلمانان با فرهنگ بومی بیگانه‌اند و قادر نیستند خود را با سبک زندگی بریتانیایی انطباق دهند. در نتیجه، آنها نمی‌توانند بریتانیایی باشند؛

وجود آمده است که بیشترشان از بازنمایی منفی و کلیشه‌ای مسلمانان انتقاد می‌کنند (تورنبرگ و تورنبرگ، ۲۰۱۶).

از میان انواع گوناگون رسانه‌ها (گفتاری، نوشتاری و گفتاری)، حوزه رسانه‌های مکتوب، زمینه آغازین پژوهشگران برای بررسی اسلام‌هراسی رسانه‌ای بوده است، تا جایی که قسمت اعظم مطالعات صورت‌گرفته در عرصه «بازنمایی رسانه‌ای اسلام» و «اسلام‌هراسی» به‌طور عام، چه در خارج و چه داخل کشور، در حوزه مطبوعات، روزنامه‌ها و مجلات غربی انجام گرفته است. علت این امر واضح است: از یک‌سو، تحلیل محتوا، که روش تحقیق غالب پژوهش‌های رسانه‌ای است، در محتوای مکتوب آسان‌تر و با دقت بیشتری به نتیجه می‌رسد؛ و از سوی دیگر، رسانه‌های مکتوب، به‌ویژه مطبوعات، همچنان مهم‌ترین و اثرگذارترین منبع اطلاع‌رسانی، به‌ویژه در میان فرهیختگان و قشر تحصیل‌کرده جامعه محسوب می‌شوند. بدین‌روی، بحث از «اسلام‌هراسی در رسانه‌های مکتوب» از اهمیت بسزایی برخوردار است و هنوز هم می‌توان آن را از مهم‌ترین ابعاد «اسلام‌هراسی رسانه‌ای» برشمرد.

ادوارد سعید در اثر مشهورش تشرق‌شناسی، با تأیید این نکته

می‌نویسد:

در غرب، همواره مقالات و کتبی در مورد اسلام چاپ می‌شوند که مطلقاً نمایان‌گر تغییری در زمینه مجادلات تند ضداسلامی رایج در قرون وسطا و یا دوره رنسانس نیستند، به‌نحوی که تقریباً هیچ گروه نژادی و یا مذهبی دیگری نیست که عملاً بتوان اینچنین غیرمنصفانه به آنها تاخت و هر چیز عجیب، مضحک و اهانت‌آمیزی در رابطه با آنان گفت یا نوشت، بدون اینکه معارضه و مخالفتی وجود داشته باشد (سعید، ۱۳۸۲، ص ۵۱۱).

البته مقصود این نیست که تمام رسانه‌های مکتوب غرب را یک‌دست و یک‌رنگ جلوه دهیم؛ زیرا روزنامه‌هایی همچون *گاردین* و *انیدینندنت*، که برخلاف جریان رسانه‌ای حاکم، به نقش سیاست‌های مخرب آمریکا و بریتانیا در خاورمیانه یا موضوعات فراموش‌شده‌ای نظیر کشمیر می‌پردازند، نمونه‌های خوبی از آزادی بیان و بی‌طرفی نسبی محسوب می‌شوند و هرگز نمی‌توان آنها را در ردیف نشریاتی مانند *تایمز* و *تلگراف* - که به

«اسلام‌هراسی: چالشی برای همه ما» به مقوله اسلام‌هراسی در رسانه‌های مکتوب بریتانیا اختصاص دارد. در این فصل آمده است که ارجاعات منفی به اسلام هر روز در مقالات، ستون‌ها، سرمقالات، کاریکاتورها و گزارش وقایع روزنامه‌های ملی و محلی با شمارگان بالا انعکاس می‌یابد و هم مطبوعات عامه‌پسند و هم مطبوعات نخبه‌گرا به نمایش چهره‌های ناخوشایند از اسلام ادامه می‌دهند (ر.ک: فایماتو، ۲۰۱۵). به طور خلاصه، چنان‌که در جدول (۱) ملاحظه می‌کنید، این گزارش بر وجود دیدگاه‌های بسته نسبت به اسلام در رسانه‌های بریتانیا اشاره دارد که غالباً تصویری منفی و نامطلوب از اسلام ارائه می‌دهند:

جدول (۱): دیدگاه‌های باز و بسته در قبال اسلام (ر.ک: رانیمد تراست، ۱۳۸۹، ص ۴۰؛ رانیمد تراست، ۱۹۹۷)

شماره	تمایزها	دیدگاه‌های بسته در باره اسلام	دیدگاه‌های باز درباره اسلام
۱	همگن / متنوع	اسلام بلوکی یکپارچه، ایستا و بدون واکنش نسبت به واقعیت‌های جدید است.	اسلام به عنوان تمدنی پیشرو و متنوع با تفاوت‌ها، موضوعات و تحولات درونی تلقی می‌شود.
۲	مجزا / در تعامل	اسلام به منزله تمدنی به‌شمار می‌رود که اهداف و ارزش‌های مشترکی با سایر فرهنگ‌ها ندارد، از آنها تأثیر نمی‌پذیرد و بر آنها تأثیر نمی‌گذارد.	اسلام به‌مثابه تمدنی است که با فرهنگ‌ها و ادیان دیگر تعامل دارد: (الف) از اهداف و ارزش‌های مشترک برخوردار است. (ب) تحت تأثیر آنهاست. (ج) آنها را غنا می‌بخشد.
۳	فرو دست / متفاوت	اسلام در برابر تمدن غرب، فرو دست تلقی می‌شود. تمدن اسلامی به عنوان تمدنی بربری، غیرعقلانی، بدوی و جنسیت‌گرا در نظر گرفته می‌شود.	اسلام تمدنی متفاوت و متمایز محسوب می‌شود، نه ناقص و فرو دست. بنابراین، به شکل یکسان شایسته احترام است.
۴	دشمن / همکار	اسلام تمدنی خشن، ستیزه‌جو، تهدیدکننده و درگیر در رویارویی تمدن‌ها تلقی می‌گردد.	اسلام به‌منزله همکاری بالقوه و یا بالفعل به‌شمار می‌آید که در فعالیت‌ها مشارکت کرده، در پی راه‌حلی برای مسائل مشترک است.
۵	عوام فریب / صادق	اسلام یک ایدئولوژی سیاسی است که برای اهداف سیاسی و نظامی از آن استفاده می‌شود.	اسلام یک دین اصیل شمرده می‌شود که پیروانش صادقانه از آن تبعیت می‌کنند.
۶	نقد غرب را نمی‌پذیرد / به آنها توجه می‌کند	نقد‌های مسلمانان به غرب، انتقاداتی کهنه و منسوخ هستند.	نقد غرب و فرهنگ‌های دیگر قابل توجه و بحث و بررسی است.
۷	از تبعیض دفاع می‌کند / آن را نقد می‌کند	خصومت علیه اسلام به‌مثابه توجیهی برای رفتارهای تبعیض‌آمیز در قبال مسلمانان و طرد آنان از جامعه تلقی می‌شود.	بحث‌ها و اختلافات با اسلام باعث تضعیف تلاش‌ها برای نبرد با تبعیض و طرد نمی‌شود.
۸	اسلام‌هراسی طبیعی است / اسلام‌هراسی چالش‌برانگیز است	دشمنی بر ضد اسلام امری عادی و طبیعی به شمار می‌رود.	دیدگاه‌های انتقادی نسبت به اسلام در معرض نقد و بررسی قرار می‌گیرند؛ بدین منظور که نادرست و غیرمنصفانه نباشند.

۵. حافظ (۲۰۰۰): کتاب *اسلام و غرب در رسانه‌های جمعی*، اثر کای حافظ، شاهد متقنی بر این مدعا است که اسلام‌هراسی رسانه‌ای پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ پدید نیامده است؛ زیرا او در پژوهش خود، الگوهای مشابهی از بازنمایی منفی مسلمانان پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر را ذکر می‌کند که به‌ویژه در مطبوعات غربی متداول بوده است (تورنبرگ و تورنبرگ، ۲۰۱۶).

۶. کوین دان (۲۰۰۱): کوین دان، محقق مشهور استرالیایی، به پژوهش بسیار جالبی در مقاله سال ۲۰۰۱ خود استناد می‌کند که در آن، انگاره‌ها و توصیفات مسلمانان در مطبوعات، به ۱۴ دسته (هفت ویژگی مثبت در برابر هفت ویژگی منفی) تقسیم‌بندی شده و در ۸۷۰ نمونه پژوهشی، موضوع بررسی دقیق آماری قرار گرفته است. در جدول (۲) به بخشی از یافته‌های این تحقیق اشاره می‌شود:

زیرا فرهنگشان با فرهنگ بریتانیا و غرب به طور عام در تعارض قرار دارد و وجه اشتراک چندانی میان فرهنگ و تمدن اسلامی و غربی قابل تصور نیست (سعید، ۲۰۰۷).

۳. شیخ و همکاران (۱۹۹۵): آنها با بررسی چند روزنامه آمریکایی در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی به این نتیجه رسیدند که مسلمانان در گزارش‌های خبری مطبوعات، عموماً به شکل منفی بازنمایی می‌شوند و بیشتر داستان‌های خبری که به آنان اشاره می‌کنند، در ارتباط با جنگ و یا سایر انواع برخورد، نزاع و درگیری هستند (اوگان و همکاران، ۲۰۱۳).

۴. گزارش رانیمد تراست (۱۹۹۷): فصل چهارم گزارش معروف

۵. حافظ (۲۰۰۰): کتاب *اسلام و غرب در رسانه‌های جمعی*، اثر کای حافظ، شاهد متقنی بر این مدعا است که اسلام‌هراسی رسانه‌ای پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ پدید نیامده است؛ زیرا او در پژوهش خود، الگوهای مشابهی از بازنمایی منفی مسلمانان پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر را ذکر می‌کند که به‌ویژه در مطبوعات غربی متداول بوده است (تورنبرگ و تورنبرگ، ۲۰۱۶).

جدول (۲): مقایسه‌ی انگاره‌های مثبت و منفی مسلمانان؛

در مجموع، بیش از ۷۵ درصد انگاره‌های مسلمانان در روزنامه‌های منتخب، منفی و کمتر از ۲۵ درصد آنها مثبت بوده است (دان، ۲۰۰۱).

توصیف‌های منفی از اسلام	تعداد	درصد	توصیف‌های مثبت از اسلام	تعداد	درصد
متعصب (متحجر)	۱۰۹	۱۲/۵۳	معتدل (اعتدال‌گرا)	۹۴	۱۰/۸۰
غیرمتساهل	۳	۰/۳۴	متساهل و اهل مدارا	۱۲	۱/۳۸
جنگ‌طلب	۲۶۴	۳۰/۳۴	صلح‌طلب	۷۵	۸/۶۲
بنیادگرا	۲۲۴	۲۵/۷۵	متدین (مؤمن، دیندار)	۴۷	۵/۴۰
زن‌ستیز	۶	۰/۶۹	طرفدار حقوق زن	۱۵	۱/۷۳
بیگانه (غیرخودی)	۸	۰/۹۲	آشنا (خودی)	۰	۰/۰
سایر صفات منفی	۴۱	۴/۷۱	سایر صفات مثبت	۵	۰/۵۷
جمع	۶۵۵	۷۵/۲۹	جمع	۲۱۵	۲۴/۷۱

تحقیقاتی که تا بدین‌جا ذکر شد، همگی به پیش از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برمی‌گردد. با وجود این، نمی‌توان آثار گسترده این فاجعه بر وضعیت مسلمانان و به تبع آن، عرصه پژوهشی اسلام‌هراسی را نادیده انگاشت. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده پس از سال ۲۰۰۱ اشاره می‌کنیم:

۷. **برایان ویتاگر (۲۰۰۲):** در پژوهشی که ویتاگر بر روی نسخه‌های برخی (آنلاین) روزنامه‌های ملی بریتانیا انجام داده، با مقایسه کاربرد واژه «مسلمان» در دو بازه زمانی یکم ژانویه تا نهم سپتامبر ۲۰۰۱ و ۲۰ ژوئن ۲۰۰۱ تا ۱۹ ژوئن ۲۰۰۲، نتایج قابل توجهی به دست آمده است، به طوری که در تمام روزنامه‌های در دست بررسی، شاهد رشد چشمگیر مقالات مرتبط با مسلمانان (از ۲۱۹٪ تا ۶۵۸٪) هستیم.

جدول (۳): رشد چشمگیر مقالات مرتبط با مسلمانان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

(به نقل از آلن، ۲۰۱۲؛ حسینی فائق، ۱۳۹۱، ص ۲۰۸)

روزنامه	تعداد مقالات در بازه اول (۱ ژانویه تا ۹ سپتامبر ۲۰۰۱)	تعداد مقالات در بازه دوم (۲۰ ژوئن ۲۰۰۱ تا ۱۹ ژوئن ۲۰۰۲)	میزان رشد
گاردین	۸۱۷	۲۰۴۳	۲۵۰٪
ایندیپندنت	۶۸۱	۱۵۵۶	۲۲۸٪
تایمز	۵۳۵	۱۴۸۶	۲۷۸٪
دیلی تلگراف	۴۱۷	۱۱۷۶	۲۸۲٪
دیلی میل	۲۰۲	۶۵۰	۳۲۲٪
میرور	۱۶۴	۹۲۰	۵۶۱٪
دیلی اکسپرس	۱۳۹	۳۰۵	۲۱۹٪
سان	۸۰	۵۲۶	۶۵۸٪
دیلی استار	۴۰	۱۴۴	۳۶۰٪

مذکور چهره‌ای منفی از اسلام به نمایش می‌گذارند، اما می‌توان ادعا کرد که بخش اعظم محتوای این مقالات را موضوعاتی از قبیل تروریسم، بنیادگرایی، تهدید اسلامی و امثال آن تشکیل می‌دهد (آلن، ۲۰۱۲). علاوه بر این، ویتاگر چهار کلیشه غالب را، که داریم در این روزنامه‌ها تکرار شده است، چنین برمی‌شمرد:

(الف) مسلمانان متعصب‌اند و اهل تساهل و مدارا نیستند.

(ب) آنها زن‌ستیزند.

چنانچه در جدول (۳) می‌بینیم، مطبوعات نخبه‌گرایی همچون *ایندیپندنت* و *گاردین* حاوی بیشترین مطالب مربوط به اسلام در هر دو مقطع زمانی بوده‌اند. با وجود این، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ موجب افزایش توجه به دین اسلام در تمام روزنامه‌ها شده است، حتی در مطبوعات عامه‌پسندی نظیر *دیلی میل* و *میرور* که پیش از آن توجه چندانی به مسلمانان نداشتند (سعید، ۲۰۰۷). البته نمی‌توان مدعی شد که این رشد صرفاً در جهت منفی بوده است و یا تمام مطالب

ج) ظالم و خشن هستند.

د) در نهایت، عجیب و متفاوتند (سعید، ۲۰۰۷؛ مالکوم و همکاران، ۲۰۱۰).

۸ الیزابت پول (۲۰۰۲): پول، که از تأثیرگذارترین پژوهشگران عرصه اسلام‌هراسی محسوب می‌شود، با تحلیل جامع محتوای مقالات روزنامه‌های انگلیسی، به این نتیجه رسیده است که رسانه‌ها بیشتر در پی نمایش تصویری منفی از مسلمانان هستند و این امر موجب تلقی آنان به‌عنوان دشمن و تهدیدی برای ارزش‌های لیبرال غربی از جمله دموکراسی شده است (بلیک و همکاران، ۲۰۱۵؛ حسینی‌فائق، ۱۳۹۱، ص ۱۹۹). تأکید وی در این پژوهش بر همگن‌سازی و یکپارچه‌سازی مسلمانان در رسانه‌هاست: «گروهی یکپارچه، غیرقابل تمایز و تفکیک‌ناپذیر. مسلمانان - که تمام اعضایش دارای صفات، قابلیت‌ها و خصوصیات یکسان عمدتاً ناخوشایند هستند» (آلن، ۲۰۱۲).

پول در کتاب *گزارش اسلام: بازنمایی رسانه‌ای مسلمانان بریتانیا*، ۸۳۷ مقاله مرتبط با اسلام را در روزنامه‌های *گاردین*، *ایزورور* و *تایمز/ساندی تایمز* در بازه زمانی ۱۹۹۳-۱۹۹۷ میلادی بررسی کرده است (مسلمانان و اسلام‌هراسی، ۲۰۰۴، ص ۶۷). یکی از مهم‌ترین یافته‌های او بازنمایی مسلمانان به عنوان «اجنبی، دیگری، دشمن و خارجی» است. رسانه‌ها مسلمانان را به‌منزله تهدیدی برای امنیت و ارزش‌های بریتانیا معرفی می‌کنند. آنها مدعی‌اند که میان جماعت‌های مسلمان و جامعه میزبان، تمایزهای فرهنگی عمیق و ذاتی وجود دارد که می‌تواند منجر به بروز تنش در روابط بین‌فردی و میان‌گروهی گردد (اکمان، ۲۰۱۵؛ سعید، ۲۰۰۷). به‌طور کلی، در روزنامه‌های بریتانیا، اسلام به‌مثابه پدیده‌ای جهانی (و نه بومی) نگریسته شده است، تا حدی که از هر هفت گزارش خبری، تنها یک نمونه به مقوله اسلام در درون جامعه بریتانیا و شش نمونه به اسلام در سایر نقاط جهان پرداخته است. نتیجه ضمنی آن است که اسلام امری خارجی و بیرونی تلقی می‌شود (ر.ک: مسلمانان و اسلام‌هراسی، ۲۰۰۴، ص ۶۷).

سایر ویژگی‌ها و انگاره‌هایی که مسلمانان به‌طور عام با آنها توصیف می‌شوند، عبارتند از: «عقب‌مانده و غیرعقلانی؛ کهنه و منسوخ؛ ثابت، یکنواخت و تغییرناپذیر؛ بنیادگرا و افراطی؛ متعصب و متحجر؛ جنسیت‌گرا و زن‌ستیز؛ سوءاستفاده‌کننده از دین اسلام در جهت منافع شخصی و سیاسی؛ دارای حکومت‌ها و جنبش‌های

بی‌ثبات و ناپایدار» (تورنبرگ و تورنبرگ، ۲۰۱۶؛ مالکوم و همکاران، ۲۰۱۰). گذشته از این، مسلمانان بریتانیا، به‌طور خاص، متهم می‌شوند که دستور کار آنها در خارج از این کشور تنظیم می‌شود و دایم در فعالیت‌های ناپهنجار و انحرافی، همچون فساد و جرم و جنایت درگیرند (مسلمانان و اسلام‌هراسی، ۲۰۰۴، ص ۶۷) که در مجموع، این نوع بازنمایی و تقلیل غیرمنصفانه موجب به حاشیه راندن بخش اعظم مسلمانان - که معتدل هستند - و نیز تقویت گروه‌ها و تفکرات تندرو و افراطی می‌گردد.

۹. *یرواند آبراهامیان* (۲۰۰۲): *آبراهامیان* در مقاله «رسانه‌های ایالات متحده، هانتینگتون و ۱۱ سپتامبر» ادعا می‌کند که پوشش خبری منفی مسلمانان پس از ۱۱ سپتامبر تحت تأثیر نظریه «برخورد تمدن‌های» *ساموئل هانتینگتون* رخ داده است (اوگان و همکاران، ۲۰۱۳). از نظر وی، تقریباً تمام رسانه‌های مکتوب جریان اصلی آمریکا، یعنی مطبوعات و مجلات مهم نخبه‌گرا، که مخاطبان آنها قشر باسواد و روشنفکر آمریکا هستند، با تأسی از *هانتینگتون*، به نفرت‌پراکنی علیه اسلام پرداختند؛ روزنامه‌هایی از قبیل: *نیویورک تایمز*، *وال استریت ژورنال* و *واتسینگتن پست*، و مجلاتی مثل *تایم*، *نیوزویک*، *آتلانتیک* و *نیوریاپلیک*، و حتی روزنامه‌ها و مجلات کوچک‌تر و کم‌مخاطب‌تر - البته با استثنای اندکی همچون *گریستین ساینس مانیاتور* - گرچه شمارگان روزانه آن با غول‌های خبری مذکور قابل مقایسه نیست. *مانیتور* با شمارگان روزانه ۷۵ هزار نسخه، در مقابل *نیویورک تایمز* و *وال استریت ژورنال* - به ترتیب - با ۱،۱۱۳،۰۰۰ و ۱،۸۰۱،۰۰۰ نسخه در روز (ر.ک: آبراهامیان، ۲۰۰۳).

۱۰. کریم (۲۰۰۳): کریم معتقد است که تصاویر تحریف‌شده و وارونه از اسلام، از زمان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ بر جو رسانه‌ای آمریکا، به‌ویژه مطبوعات آن، حاکم بوده است. وی مهم‌ترین نقص و نقطه ضعف رسانه‌های غربی را یک‌دست و یکپارچه فرض کردن اسلام و نادیده گرفتن تفاوت‌ها و تمایزهای گسترده موجود در «امت اسلامی» در سرتاسر جهان می‌داند (سعید، ۲۰۰۷).

۱۱. ریچاردسون (۲۰۰۴): وی با بررسی و تحلیل عمیق مقالات مرتبط با اسلام و مسلمانان در مطبوعات ممتاز و نخبه‌گرای انگلستان در سال ۱۹۹۷، چهار زمینه غالب بازنمایی مسلمانان را این‌گونه خلاصه می‌کند:

۳۴ درصد آن را با فاجعه و بحران مرتبط دانسته‌اند (ر.ک: آلن، ۲۰۱۲).

۱۳. مانون (۲۰۰۸): مانون نیز در همین زمینه، به نتایج مشابهی دست یافته است. وی با تحلیل دو مجلهٔ پرمخاطب *تایم* و *نیوزویک* در ایالات متحده، استدلال می‌کند که با بهره‌جویی از راهبرد بازنمایی منفی «دیگری»، رسانه‌ها اسلام و پیروان بی‌شمار آن را «منحرف، بی‌ثبات و ناپایدار، شیطانی و ضدمدرن» معرفی کرده‌اند (تورنبرگ و تورنبرگ، ۲۰۱۶).

۱۴. علی و خالد (۲۰۰۸): این دو محقق به بررسی بلندمدت‌تر *تایم* و *نیوزویک* از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ میلادی و نحوهٔ پوشش خبری سه دسته از کشورهای اسلامی (متحدان آمریکا، دشمنان آمریکا و کشورهای بی‌طرف) در این مجلات پرداخته‌اند. نتیجهٔ مهم و جالب توجه این است که حتی پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، پوشش خبری هر سه گروه کشورهای اسلامی در رسانه‌های مذکور، در مجموع، منفی بوده است (اوگان و همکاران، ۲۰۱۳).

۱۵. گزارش دانشگاه کاردیف (۲۰۰۸): در مطالعه‌ای که پژوهشگران دانشگاه کاردیف، مور، میسون و لوئیس دربارهٔ بازنمایی مسلمانان بریتانیا در رسانه‌های مکتوب این کشور (از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸) انجام داده‌اند، نتایج ذیل به دست آمده است:

الف) چهارپنجم گفتمان‌های رایج مطبوعات بریتانیا در خصوص مسلمانان، اسلام را مرتبط با تهدیدات، معضلات، بحران‌ها و در مقابل ارزش‌های حاکم بریتانیا نشان می‌دهند، درحالی‌که تنها ۲ درصد مطالب، مسلمانان را حامی ارزش‌های اخلاقی متداول غربی معرفی می‌کنند.

ب) واژه‌هایی که غالباً در اشاره به مسلمانان به کار می‌روند عبارتند از: «تروریست، افراطی، تندرو، اسلام‌گرا، متحجر، بنیادگرا، جنگ‌طلب و بمب‌گذار انتحاری».

ج) در رسانه‌های تحت بررسی، ارجاعات به مسلمانان رادیکال و تندرو، برابر اشاره به مسلمانان معتدل و میانه‌رو بوده است (آلن، ۲۰۱۲). این در حالی است که جمعیت دستهٔ دوم با گروه اول به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه نیست. همچنین بر اساس شواهد این تحقیق، پوشش اخبار مربوط به مسلمانان در این سال‌ها به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. روند افزایشی از سال ۲۰۰۱ به بعد آغاز می‌شود و در سال ۲۰۰۶ به اوج خود می‌رسد:

۱. تهدید نظامی کشورهای اسلامی؛

۲. تهدید تروریسم و افراط‌گرایی؛

۳. در خطر قرار گرفتن دموکراسی از سوی حکام و احزاب سیاسی مستبد و خودکامه اسلامی؛

۴. تهدید اجتماعی و نابرابری و تبعیض جنسی مسلمانان (استراباچ و لیثاگ، ۲۰۰۸؛ تورنبرگ و تورنبرگ، ۲۰۱۶).

این دسته‌بندی چهارگانه قابل تقلیل به دو مجموعهٔ اساسی از کلیشه‌های منفی است:

الف) مجموعهٔ اول بر نظریهٔ «برخورد تمدن‌ها» و پیش‌فرض قرار دادن اسلام به‌مثابهٔ تهدیدی سیاسی و نظامی در مقابل غرب مبتنی است.

ب) مجموعهٔ دوم کلیشه‌ها حول محور «خصوصیات فرهنگی مسلمانان» و به‌ویژه مسائل جنسیتی شکل می‌گیرد (استراباچ و لیثاگ، ۲۰۰۸). بدین‌سان، رسانه‌ها اسلام را به عنوان انحراف و تهدید فرهنگی معرفی کرده، موجب بروز احساسات ضداسلامی در جامعه می‌شوند (اکمان، ۲۰۱۵).

بنابراین، در دیدگاه ریچاردسون، بازنمایی رسانه‌های مکتوب بریتانیا از مسلمانان عموماً با ارجاعاتی منفی همراه بوده است؛ از جمله: عقب‌ماندگی فرهنگی؛ تندروی و افراطی‌گری؛ بنیادگرایی؛ بربریت و وحشی‌گری؛ عدم تساهل؛ و در مجموع، کلیشه‌های پدرسالارانهٔ شرق‌شناسی (مالکوم و همکاران، ۲۰۱۰). در مجموع، ریچاردسون جوامع اسلامی را در سپهر رسانه‌ای بریتانیا بکل غایب و نامرئی می‌داند، مگر در زمینه‌های منفی.

۱۲. اینستد (۲۰۰۷): در طرح پژوهشی *اینستد*، که طی آن نحوهٔ بازنمایی اسلام و مسلمانان در ۱۹ روزنامهٔ بزرگ بریتانیا در یک هفته عادی (۸ می تا ۱۴ می ۲۰۰۶) بررسی شده بود، نتایج جالب توجه ذیل به دست آمد:

الف) در مقایسه با گزارش پیشین، که تقریباً یک دهه قبل انجام شده بود، ارزش خبری «اسلام» رشد ۳۷۰ درصدی را نشان می‌داد.

ب) از میان ۱۹ روزنامهٔ ملی تحلیل‌شده، ۱۲ مورد آنها به طور تمام‌عیار، به پوشش خبری و چارچوب‌سازی منفی از اسلام پرداخته‌اند.

ج) ۹۱ درصد از کل مطالب روزنامه‌ها تصویری منفی از اسلام ارائه داده‌اند که تقریباً ۵۰ درصد نمونه‌ها اسلام را با تهدید و

جدول ۴: رشد پوشش خبری اسلام از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ (مور و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۹)

سال	میزان پوشش اخبار مسلمانان در رسانه‌های انگلستان
۲۰۰۰	۳۵۲
۲۰۰۱	۲۱۸۵
۲۰۰۲	۱۶۷۳
۲۰۰۳	۱۹۱۷
۲۰۰۴	۲۳۹۹
۲۰۰۵	۳۸۱۲
۲۰۰۶	۴۱۹۲
۲۰۰۷	۳۳۱۳
۲۰۰۸	۳۴۶۶

مسلمانان مسبب مرگ وولمر قلمداد شدند؛ از جمله: یک هوادار دوآتشه و خشمگین؛ یکی از بازیکنان تیم پاکستان؛ مسلمانان رادیکال و مانند آن. مطبوعات بریتانیا این مسئله را به جنجالی رسانه‌ای تبدیل کرده، بدین بهانه، آتش توپخانه‌هایشان را بار دیگر به سوی اسلام و مسلمانان گشودند.

کلیشه‌هایی که به وفور در ۷۶۸ نمونه از مطالب روزنامه‌های در دست بررسی تکرار شده، عبارت است از:

- (۱) بی‌خردی و بی‌منطقی؛
- (۲) بربریت، وحشی‌گری و خشونت؛
- (۳) رکود، سکون و یکنواختی؛
- (۴) تمایز مطلق و نظام‌مند میان غرب و شرق.

به طور خلاصه، پژوهشگران به دو نتیجه قابل توجه دست یافتند: الف) قالب‌ها و مضامین شرق‌شناسانه همچنان بر رسانه‌های غربی و بازنمایی آنان از شرق و به‌ویژه اسلام حاکم است.

ب) اثر بازنمایی منفی در عرصه‌های ورزشی و سرگرمی حتی بیش از فضای مرسوم سیاسی است؛ زیرا مخاطبان این بخش‌ها غالباً فاقد دیدگاه‌های انتقادی هستند. بدین‌روی، در این زمینه منفعل‌اند و ایدئولوژی‌های اسلام‌هراسانه را راحت‌تر می‌پذیرند (ر.ک: مالکوم و همکاران، ۲۰۱۰).

۱۷. کاسیمیرس و جکسون (۲۰۱۱): این پژوهش به نحوه شکل‌دهی و بازتعریف هویت مسلمانان و آمریکایی‌ها به عنوان هویت‌هایی متفاوت و در مقابل یکدیگر، با بهره‌گیری از تاکتیک «زبان دوگانه» در رسانه‌های نومحافظه‌کار آمریکا می‌پردازد. بدین منظور، محققان مجله *ویکلی استاندارد* را انتخاب کردند. آنها با بررسی جامع نمونه‌های برگزیده این مجله، چهار دسته از موضوعات را از یکدیگر تفکیک نمودند:

- (۱) مسلمانان منفعل (که عمدتاً میانه‌رو و معتدل خوانده می‌شوند).
 - (۲) مسلمانان فعال (که با صفاتی همچون «اسلام‌گرا، بنیادگرا، تندرو و رادیکال» معرفی می‌گردند).
 - (۳) غربی‌های منفعل (که به شکل زنانه یا زن‌صفت توصیف می‌شوند).
 - (۴) غربی‌های فعال (که به طرز مردانه و یا مردصفت تصویر می‌گردند).
- سپس پژوهشگران گفتمان نومحافظه‌کار را به دو دوره قبل و پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دسته‌بندی کردند:

الف. پیش از ۱۱ سپتامبر: گفتمان نومحافظه‌کار به‌شدت بر

مور و همکاران او در پژوهش مذکور، با استفاده از روش تحلیل محتوا، ۹۷۴ مقاله مرتبط با اسلام را در روزنامه‌های بریتانیا بررسی کردند که تمرکز بیشتر این مقالات بر تندروی و افراطی‌گری و تمایزهای فرهنگی دو تمدن غرب و اسلام بوده است (تورنبرگ و تورنبرگ، ۲۰۱۶). به تعبیر دقیق‌تر، قریب دوسوم نمونه‌های مطالعه‌شده مسلمانان را به‌منزله یک خطر و تهدید (مرتبط با تروریسم) و یا به عنوان یک معضل و مشکل (تمایزهای فرهنگی و ارزش‌های متفاوت) و یا ترکیبی از هر دوی آنها (افراط‌گرایی مسلمانان به‌طور کلی) معرفی کرده‌اند (اوگان و همکاران، ۲۰۱۳؛ بلیک و همکاران، ۲۰۱۵).

۱۶. مالکوم و همکاران (۲۰۱۰): مالکوم و همکارانش به موضوعی متفاوت از تحقیقات پیشین روی آورده‌اند و بازنمایی مسلمانان را در فضای رسانه‌ای غیرسیاسی و ورزشی بررسی کرده‌اند. موضوع پژوهش آنان مرگ مشکوک باب وولمر سرمربی بریتانیایی تیم ملی «کریکت» پاکستان، پس از شکست و حذف این تیم از مسابقات جام جهانی سال ۲۰۰۷ و بازتاب رسانه‌ای آن در ۹ روزنامه ملی بریتانیا بوده است. وولمر پس از حذف زود هنگام تیم مدعی پاکستان، این شکست را تلخ‌ترین تجربه زندگی‌اش خواند و اظهار داشت که درباره ادامه همکاری با این تیم، در آینده تصمیم خواهد گرفت. اما در شب همان مسابقه، به طرز مشکوکی درگذشت. رسانه‌ها شش فرضیه در رابطه با مرگ او مطرح کردند که در پنج فرضیه،

فناوری‌های غربی را به عاریت بگیرد» (به نقل از کاسمیرس و جکسون، ۲۰۱۱، ص ۲۵).

۱۸. بیکر و همکاران (۲۰۱۳): بیکر، گابریلاتس و مک‌ارنی پس از تحلیل دقیق بازنمایی اسلام و مسلمانان طی بیش از یک دهه (۱۹۹۸ تا ۲۰۰۹) در رسانه‌های مکتوب بریتانیا، دو نوع بازنمایی را شناسایی کرده‌اند:

الف) بازنمایی اسلام‌هراسانه آشکار، که مقصود آن پوشش رسانه‌ای به وضوح خصمانه است و تعداد کمی از نمونه‌ها را شامل می‌شود.

ب) بازنمایی اسلام‌هراسانه پنهان که بیشتر نمونه‌ها را دربر می‌گیرد و نیاز به توضیح بیشتری دارد. در این الگو، تصویری نامحسوس، دو وجهی و تلویحی از اسلام ارائه می‌گردد که به نحوی غیرمستقیم متضمن قالب‌های منفی است. این نوع از بازنمایی اشکال متنوعی دارد. برای مثال، کاربرد فراوان واژه‌هایی همچون «تروریسم» و «افراط‌گرایی» و تقارن آنها با اسلام و مسلمانان در یک متن، مسلمانان را در بافت تقابل، درگیری و خشونت محصور می‌کند. در همین زمینه، واژه «اسلامی» مکرر در نقش صفت به دنبال انواع گوناگون تندروی، ستیزه‌جویی و هراس شدید مذهبی و سیاسی استعمال شده است. همچنین زنان مسلمان همواره به عنوان قربانی و مردان مسلمان به‌منزله مهاجم و متجاوز تصویر شده‌اند (ر.ک: بلیک و همکاران، ۲۰۱۵؛ تورنبرگ و تورنبرگ، ۲۰۱۶).

نتیجه‌گیری

نتایج ۱۸ پژوهش بررسی شده در این مقاله را می‌توان چنین خلاصه کرد:

مضامین و درون‌مایه‌های شرق‌شناسی متکی بود و مسلمانان را به‌منزله کودکانی بازنمایی می‌کرد که یا باید آنها را نادیده گرفت و یا بین آنها نظم و انضباط برقرار کرد. این تقابل دوگانه میان مسلمانان منفعل و غربی‌های فعال در جهت تقویت هویت آمریکایی به عنوان قدرتی برتر و بالغ در برابر هویت اسلامی بود که با خصوصیتی نظیر «عقب‌مانده، نابالغ، گرفتار در جوامع پیشامدرن و نداشتن ظرفیت و یا حتی اراده لازم برای پیوستن به جهان مدرن» تصویر می‌شد.

ب. پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱: از آنجا که مسلمانان نقشی اساسی در این فاجعه داشتند، بازنمایی آنان از سوی نومحافظه‌کاران به‌مثابه سوژه‌هایی منفعل، امکان‌پذیر نبود. بدین‌رو، نقش مسلمانان فعال (بد) به گفتمان غالب تبدیل شد و در تقابل و مواجهه با آمریکایی‌ها و مسلمانان منفعل (خوب) نمایش داده می‌شد تا تأکیدی بر وجود تفاوت‌های ذاتی میان جهان اسلام و جهان غرب باشد. نومحافظه‌کاران از نقش مسلمانان بد، به دو شکل در جهت توجیه سیاست‌های نظامی و جنگ‌افروزان علیه کشورهای اسلامی بهره می‌بردند:

اول. لزوم تقابل غرب منفعل در برابر اسلام فعال برای جلوگیری از نابودی ارزش‌های غربی؛
دوم. ضرورت نجات مسلمانان خوب، معتدل و میانه‌رو که در محاصره مسلمانان بد و تندرو قرار گرفته‌اند (ر.ک: کاسمیرس و جکسون، ۲۰۱۱).

در جهت همین تقابل دوگانه مسلمانان خوب و مسلمانان بد، ادوارد شرلی در مقاله‌ای با نام «ملای خوب، ملای بد»، به محمد خاتمی، رئیس‌جمهور (از نظر او) غرب‌گرای ایران اشاره می‌کند و می‌نویسد: «خاتمی غرب را به رسمیت شناخته، معتقد است که غرب تمدن غالب در جهان است و باقی خواهد ماند و رژیم ایران اگر به دنبال ادامه حیات خویش است، باید ایده‌ها و

جدول (۵): خلاصه نتایج ۱۸ پژوهش بررسی شده در این مقاله

ردیف	محقق	موضوع و نمونه پژوهش	مهم‌ترین دستاوردها
۱	ادوارد سعید (۱۹۸۱)	پوشش خبری حوادث انقلاب اسلامی ایران در مطبوعات آمریکا	بازنمایی اسلام و مسلمانان (ایرانیان) به شکل موهن و تحقیرآمیز
۲	پاول گیلروی (۱۹۸۷)	بازنمایی اقلیت‌ها در رسانه‌های مکتوب بریتانیا	چارچوب‌سازی مسلمانان در قالب گفتمان‌هایی همچون غیر، دیگری، بیگانه و دشمن
۳	شیخ و همکاران (۱۹۹۵)	مسلمانان در گزارش‌های خبری مطبوعات ایالات متحده	بازنمایی عموماً منفی مسلمانان در داستان‌های خبری و تأکید بر ارتباط آنان با جنگ و یا سایر انواع برخورد، نزاع و درگیری
۴	رانیمدتراست (۱۹۹۷)	اسلام‌هراسی در رسانه‌های مکتوب بریتانیا	وجود دیدگاه‌های بسته نسبت به اسلام و ارائه تصویری غالباً منفی و نامطلوب از آن
۵	حافظ (۲۰۰۰)	اسلام در مطبوعات غربی	بازنمایی منفی مسلمانان در رسانه‌های جمعی

۶	کوبین دان (۲۰۰۱)	مقایسه انگاره‌های مثبت و منفی مسلمانان در مطبوعات غرب	در مجموع بیش از ۷۵ درصد انگاره‌های مسلمانان در روزنامه‌های منتخب، منفی و کمتر از ۲۵ درصد آنها مثبت بوده است. پرتکرارترین توصیف‌ها به ترتیب عبارتند از: جنگ‌طلب و بنیادگرا
۷	برایان ویتاگر (۲۰۰۲)	مقایسه توجه روزنامه‌های ملی بریتانیا به مسلمانان (در دو مقطع پیش و پس از ۱۱ سپتامبر)	۱. رشد چشمگیر مقالات مرتبط با مسلمانان (از ۲۱۹ درصد تا ۶۵۸ درصد) در تمام روزنامه‌ها؛ ۲. کلیشه‌های غالب: مسلمانان متعصب، زن‌ستیز، خشن و متفاوتند.
۸	الیزابت پول (۲۰۰۲)	مسلمانان در مقالات روزنامه‌های انگلیسی در بازه زمانی ۱۹۹۳-۱۹۹۷	رسانه‌ها اغلب در پی نمایش تصویری منفی از مسلمانان و تلقی آنان به‌عنوان دشمن و تهدیدی برای ارزش‌های لیبرال غربی هستند.
۹	یرواند آبراهامیان (۲۰۰۲)	بازنمایی مسلمانان در رسانه‌های مکتوب جریان اصلی آمریکا	تقریباً تمام مطبوعات و مجلات مهم نخبه‌گرای آمریکا پوشش خبری منفی از مسلمانان ارائه می‌کنند. این امر پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تحت تأثیر نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون رخ داده است.
۱۰	کریم (۲۰۰۳)	تصاویر تحریف‌شده و وارونه از اسلام در مطبوعات ایالات متحده	یک‌دست و یک‌پارچه فرض کردن اسلام و نادیده‌انگاشتن تفاوت‌ها و تمایزهای گسترده موجود در جهان اسلام
۱۱	ریچاردسون (۲۰۰۴)	بررسی مقالات مرتبط با اسلام در مطبوعات ممتاز انگلستان در سال ۱۹۹۷	بازنمایی رسانه‌های مکتوب بریتانیا از مسلمانان عموماً با ارجاعاتی منفی از قبیل بربریت، تندروی و بنیادگرایی همراه بوده است.
۱۲	اینستد (۲۰۰۷)	نحوه بازنمایی اسلام و مسلمانان در ۱۹ روزنامه بزرگ بریتانیا	۱. رشد ۳۷۰ درصدی ارزش خبری اسلام نسبت به یک دهه قبل؛ ۲. ۹۱ درصد از کل مطالب روزنامه‌ها تصویری منفی از اسلام ارائه داده‌اند.
۱۳	مانون (۲۰۰۸)	تحلیل نحوه بازنمایی اسلام در دو مجله پرتیراژ تایم و نیوزویک (آمریکا)	معرفی اسلام و پیروان بی‌شمار آن به‌منزله «منحرف، بی‌ثبات و ناپایدار، شیطانی و ضدمدرن»
۱۴	علی و خالد (۲۰۰۸)	بررسی تایم و نیوزویک از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ میلادی و نحوه پوشش خبری کشورهای اسلامی در این مجلات	حتی پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، پوشش خبری هر سه گروه کشورهای اسلامی (متحدان آمریکا، دشمنان آمریکا و کشورهای بی‌طرف) در رسانه‌های مذکور، در مجموع، منفی بوده است.
۱۵	گزارش کاردیف (۲۰۰۸)	بازنمایی رسانه‌های مکتوب بریتانیا از مسلمانان این کشور (از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸)	۱. پوشش خبری اسلام از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ رشد قابل توجه داشته است. ۲. چهارپنجم گفتمان‌های رایج مطبوعات بریتانیا اسلام را مرتبط با تهدیدات، معضلات و بحران‌ها نشان می‌دهند. ۳. ارجاعات به مسلمانان رادیکال و تندرو، ۱۷ برابر اشاره به مسلمانان معتدل و میانه‌رو بوده است.
۱۶	مالکوم و همکاران (۲۰۱۰)	بازتاب رسانه‌های مرگ مشکوک باب وولمر در ۹ روزنامه ملی بریتانیا	رسانه‌ها شش فرضیه در رابطه با این رویداد مطرح کردند که در پنج فرضیه، مسلمانان مسبب مرگ وولمر قلمداد شدند.
۱۷	کاسیمیرس و جکسون (۲۰۱۱)	نحوه بازتعریف هویت مسلمانان در رسانه‌های نومحافظه‌کار آمریکا (مجله ویکلی استاندارد)	۱. پیش از ۱۱ سپتامبر: هویت اسلامی با خصوصیت‌های نظیر عقب‌مانده، نابالغ، گرفتار در جوامع پیشامدرن و نداشتن ظرفیت و یا حتی اراده لازم برای پیوستن به جهان مدرن، تصویر می‌شد. ۲. پس از ۱۱ سپتامبر: نقش مسلمانان فعال (بد) به گفتمان غالب تبدیل گردید و در تقابل با آمریکایی‌ها و مسلمانان منفعل (خوب) نمایش داده می‌شد تا تأکیدی بر وجود تفاوت‌های ذاتی میان جهان اسلام و جهان غرب باشد.
۱۸	بیکر و همکاران (۲۰۱۳)	تحلیل نحوه بازنمایی اسلام از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۹ در رسانه‌های مکتوب بریتانیا	۱. بازنمایی اسلام‌هراسانه آشکار؛ ۲. بازنمایی اسلام‌هراسانه پنهان

همکاران، موری و یاکین، کاسیمیرس و جکسون، بیکر و همکاران با تمرکز بر رسانه‌های چاپی به‌ویژه مطبوعات و مجلات دو کشور مذکور، بازنمایی عمدتاً منفی اسلام و مسلمانان را به اثبات رسانده‌اند. بدین‌رو، شواهد به حدی فراوان است که بر خلاف تصور برخی منتقدان، وجود «اسلام‌هراسی رسانه‌ای» - دست‌کم - در رسانه‌های مکتوب غربی غیرقابل انکار به نظر می‌رسد.

با توجه به مباحث مطرح‌شده، بیشتر اندیشمندان و محققان غربی به‌طور قطع، بر وجود پدیده «اسلام‌هراسی» در تمام انواع رسانه‌های مکتوب غرب، به‌ویژه دو کشور پیشرو در این زمینه، یعنی بریتانیا و ایالات متحده آمریکا تأکید می‌کنند. پژوهشگران مطرحی همچون پاول گیلروی، کای حافظ، کوبین دان، برایان ویتاگر، الیزابت پول، ریچاردسون، مانون، مور و همکاران، یرواند آبراهامیان، مالکوم و

- manufacturing the green scare”, *Ethnic and Racial Studies*, N. 38, p. 1986-2002 .
- Faimau, G., 2015, “The Conflictual Model of Analysis in Studies on the Media Representation of Islam and Muslims: A Critical Review”, *Sociology Compass*, N. 9, p. 321-335.
- Kassimeris, G., & Jackson, L., 2011, “The West, the rest, and the ‘war on terror’: Representation of Muslims in neoconservative media discourse”, *Contemporary Politics*, N. 17, p. 19-33.
- Malcolm, D., Baimmer, A., & Curry, G., 2010, “Woolmergate: Cricket and the representation of Islam and Muslims in the British press”, *Journal of Sport & Social Issues*, N. 34, p. 215-235.
- Moore, K., Mason, P., & Lewis, J. M. W., 2008, *Images of Islam in the UK: The representation of British Muslims in the national print news media 2000-2008*.
- Muslims, C. o. B., & Islamophobia, 2004, *Islamophobia: Issues, Challenges and Action*, Trentham Books Stoke-on-Trent.
- Ogan, C., Willnat, L., Pennington, R., & Bashir, M., 2013, “The rise of anti-Muslim prejudice: Media and Islamophobia in Europe and the United States”, *International Communication Gazette*.
- Saeed, A., 2007, Media, racism and Islamophobia, “The representation of Islam and Muslims in the media”, *Sociology Compass*, N. 1, p. 443-462.
- Strabac, Z., & Listhaug, O., 2008, “Anti-Muslim prejudice in Europe: A multilevel analysis of survey data from 30 countries”, *Social Science Research*, N. 37, p. 268-286.
- Törnberg, A., & Törnberg, P., 2016, *Muslims in social media discourse: Combining topic modeling and critical discourse analysis*, Discourse, Context & Media.
-منابع.....
- حسینی فائق، محمدمهدی، ۱۳۹۱، *تأملی بر ابعاد اسلام‌هراسی در بریتانیا پس از یازده سپتامبر*، تهران، دانشگاه امام صادق ☞.
- سعید، ادوارد، ۱۳۸۲، *تسوق‌شناسی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شیرغلامی، خلیل، ۱۳۹۰، «اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی: ده سال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر»، *سیاست خارجی*، ش ۲۵، ص ۹۹۵-۱۰۲۲.
- مجیدی، محمدرضا و محمدمهدی صادقی، ۱۳۹۳، *اسلام‌هراسی غربی*، تهران، دانشگاه امام صادق ☞.
- مرشدی‌زاد، علی و زاهد غفاری، ۱۳۸۶، «اسلام‌هراسی در اروپا: ریشه‌ها و عوامل»، *دانش سیاسی*، ش ۳، ص ۱۱۳-۱۳۹.
- Abrahamian, E., 2003, “The US media, Huntington and September 11”, *Third world quarterly*, N. 24, p. 529-544.
- Ahmad, F., 2006, “British Muslim perceptions and opinions on news coverage of September 11”, *Journal of Ethnic and Migration Studies*, N. 32, p. 961-982.
- Allen, C., 2012, “A review of the evidence Relating to the representation of Muslims and Islam in the British media”, *Birmingham, AL: Institute of Applied Social Studies, Retrieved April*, N. 20.
- Bleich, E., Stonebraker, H., Nisar, H., & Abdelhamid, R., 2015, “Media Portrayals of Minorities: Muslims in British Newspaper Headlines”, 2001 – 2012, *Journal of Ethnic and Migration Studies*, N. 41, p. 942-962.
- Dunn, K. M., 2001, “Representations of Islam in the politics of mosque development in Sydney”, *Tijdschrift voor economische en sociale geografie*, N. 92, p. 291-308.
- Ekman, M., 2015, “Online Islamophobia and the politics of fear: